

## قدیمترین نسخه خطی

قطع نظر از ارزش موضوع و شخصیت مؤلف کتابهای خطی از چند نظر ممکن است دارای نقاست و ارزش بیشتر باشند :

۱ - نسخه اصلی کتاب خصوصاً اگر بخط مؤلف و بالاخص اگر منحصر بفرد باشد .

۲ - نسخه‌ای که از روی نسخه اصل نوشته شده و یا با آن مقابله شده باشد خصوصاً اگر مؤلف یا یکی از علمای بزرگ، تصدیق مقابله آنرا نموده باشد .

۳ - نسخه‌ای که بنظر یکی از دانشمندان مبرز و اهل فن رسیده و بوسیله او مقابله و تصحیح شده باشد .

۴ - نسخه‌ای که دارای قدمت تاریخ کتابت بوده ، خصوصاً اگر زمان کتابت آن نزدیک بزمان تألیف یا مؤلف باشد .

۵ - نسخه‌ای که از جهت خط یا کاغذ یا تہذیب و تجلید امتیاز و برجستگی داشته باشد .

بدیهی است غیر مطبوع بودن و بچاپ نرسیدن کتاب نیز پایه نقاست آنرا بالا برده و بر ارزش آن میافزاید، و هر گاه میشنویم که در راه بدست آوردن نسخه خطی کتابی هزارها تومان بذل میشود برای این است که جهات چندی از نقاست در آن جمع شده و آنرا مورد توجه قرار داده است .

اینگونه کتابهاست که در هر کتابخانه‌ای بیشتر باشد، مایه ارزش و اعتبار بیشتر آنرا فراهم می‌آورد. کتابخانه مسجد اعظم هم تا اندازه‌ای از این قسمت برخوردار می‌باشد و امیدواریم بتوانیم در این نشریه، بعضی از نفایس آنرا تدریجاً معرفی نماییم.

### قدیمترین نسخه

کتابی که در این کتابخانه از نظر تاریخ کتابت تقدم داشته و شاید در این جهت بر بسیاری از کتابخانه‌های دیگر نیز برتری داشته باشد و از جهات دیگر چون: مؤلف و موضوع و کاغذ و غیره نیز دارای تفاسات و ارزش است، يك نسخه خطی از الهیات شفای ابوعلی سینا می‌باشد که از کتب اهدائی مرحوم حاج آقا محمد مقدس اصفهانی (ره) بوده و تحت شماره مسلسل ۲۹۶۴ در دفتر کل کتابخانه ثبت رسیده است.

گزار در دو صفحه اول و آخر کتاب از نظر خوانندگان می‌گذرد و مشخصات آن از این قرار است:

تاریخ کتابت: سال ۵۰۳ هجری، ۲۵ سال پس از وفات مؤلف محل کتابت آن: بغداد. نام کاتب: نام معلوم است. دارای ۲۴۲ صفحه. بقطع: ۱۲ر۵-۱۸ر۵ سانتیمتر، و هر صفحه دارای بیست سطر، بخط نستعلیق شکسته نسبتاً خوبی نوشته شده و خیلی کم نقطه و می‌توان گفت بی نقطه می‌باشد.

عنوانهای مقالات و فصول آن بخط نسخ بسیار خوب و باسرخ‌نوشته شده، کاغذ آن آهاری و بسیار نازک، شبیه پوست آهو، و در بعضی از صفحات آن حواشی مختصری بخط نستعلیق ریز نوشته شده و جلد آن تیماج قهوه‌ای رنگ است.





## سخنی در باره اصل کتاب

کتاب شفاء یکی از مؤلفات با ارزش ابوعلی سیناست که آنرا در دوران پختگی و رشد علمی خود (یعنی در میان چهل و پنجاه سالگی) نگاشته و در سال ۴۱۸ هـ قبل از وفاتش از تألیف آن فراغت یافته است .

این کتاب پیوسته مورد نظر و استفاده دانشمندان و حکماء بوده (۱) و جلب توجه فلاسفه شرق و غرب را نموده و درباره آن نظرهاداده و سخنها گفته و کتابهایی بعنوان شرح و حاشیه و تلخیص نوشته‌اند که ذکر آنها از مجال این نشریه خارج است (۲)

در فهرست کتابخانه آستانه قدس رضوی (ع) طبع سال ۱۳۲۵، صفحه ۲۰۰ مینویسد: «این کتاب شفاء او دائرة المعارف فلسفه مشائی و مفصل ترین آثار علمی شیخ است که حاوی علوم منطق، و حکمت طبیعی و الهی، و ریاضیات میباشد. شیخ در همدان شروع بتصنیف آن نموده و گفته‌اند که در ۱۸ مجلد صورت گرفته و در ۲۰ روز الهیات و طبیعیات آنرا بجز کتاب حیوان و نبات به پایان رسانیده، منطقیات و ریاضیات آن چاپ شده موجودی از طبیعیات آن در مدفن است، الهیات وی در فن سیزدهم میباشد و هر فن دارای مقالات و هر مقاله دارای فصولی است. این

(۱) ابن خلدون گوید: خواهی یافت که ماهرین فلاسفه، خود را ملازم و مستکف کتاب شفاء و اشارات و نجات شیخ نموده‌اند

(۲) در رساله (ابن سینا) نوشته آقای سید محمد مرعشی آیة الله زاده نجفی

۱۱ کتاب شرح و حاشیه و غیره برای آن نام برده شده.

کتاب در تهران ضمن دو مجلد بچاپ رسیده.  
 الهیات شفاء با تعلیقات فیلسوف شهر، ملاصدرای شیرازی بقطع  
 رحلی در سال ۱۳۰۳ هـ در تهران چاپ شده و در کتابخانه مسجد اعظم  
 موجود است .

یکی از دانشمندان غرب (هورتن) الهیات شفاء را بزبان آلمانی  
 ترجمه نموده و شرحی بر آن نوشته است (۱)

### مؤلف کتاب

ابوعلی، حسین بن عبدالله بن حسن بن علی بن سینا، ملقب به حجة-  
 الحق و شرف الملك و امام الحکماء، معروف بشیخ الرئیس، از حکمای  
 فخام و علمای کبار جهان و طبای اسلام است (۲)  
 ابن سینا، از نوابغ دهر و نوادروزگار، و از زمان طفولیت آثار  
 نبوغ و کمال در او نمودار بوده چنانچه از خود او نقل شده که گفته : چون  
 بحدت می رسیدم مرا بمعلم قرآن سپردند، پس از آن بمعلم ادب، پس  
 هر چه شاگردان بر استاد ادیب قرائت مینمودند من از حفظ می کردم (و  
 کتب بسیاری از ادب را نام برده که در مدت یکسال و نیم از حفظ کرده)  
 چون بده سالگی رسیدم در بخارا تعجب می کردند از من، پس شروع بفقهِ  
 کردم و در دوازده سالگی بمذهب ابی حنیفه در بخارا فتوی میدادم. پس  
 شروع کردم در علم طب و کتاب قانون را در ۱۶ سالگی تصنیف نمودم..  
 تا آنکه گفته : پس چون بسن بیست و چهار سال رسیدم فکر کردم با خود

(۱) سالنامه ۱۳۳۰ نور دانش .

(۲) عبارت از لغت نامه دهخدا است .

جینزی از علوم نبود که نشناسم آنرا (۱) .

بعضی از نویسندگان فراغت او را از همه علوم متداول زمان ، در سن ۱۶ و بعضی در ۱۸ سالگی ثبت کرده اند .

ولادت او در سالهای بین ۳۶۳ تا ۳۷۳ در یکی از قریه های بخارا و وفات او در سال ۴۲۷ یا ۴۲۸ در همدان اتفاق افتاده و در همانجا بخاک سپرده شده و آرامگاه او معروف است .

### کتابخانه مدرسه شبانه کیم

در پیرامون زندگی شخصی و علمی و اجتماعی و سیاسی او ، دانشمندان شرق و غرب سخن ها رانده و رساله ها و مقاله ها نوشته اند ، بپاس خدمات علمی و تقدیر از زحمات او در مقام تکریم و بزرگداشت او بر آمده ، تمثالها و مجسمه ها از حالات مختلفه او فراهم آورده و آنرا زینت دانشگاهها قرار داده اند ، مؤسسات و سازمانهای علمی و اجتماعی بسیاری را بنام او نامیده و آرامگاه او را تعمیر نموده و ساختمان قابل توجهی بر آن بنیاد کرده و هزارمین سال تولد او را با تشریفات زیادی جشن گرفتند . ولی بنظر ما آنچه مهم است این مطلب است :

بدیهی است که برای نبوغ و برآزندگی مردان بزرگ ، علاوه بر استعداد ذاتی و سرمایه های خداداده ، علل و موجباتی است که باید آن را در تاریخ زندگی آنان جستجو نموده و از آن پند گرفت .

ما برای توجه یافتن دانشجویان عزیز و جوانان ارجمند بسره موفقیت این مرد بزرگ ، چند نکته آموزنده از تاریخ زندگی او را در اینجا یاد آور میشویم :

ابوعلی سینا ، بزرگ زاده و از خانواده اعیان و اشراف بوده (۱) ولی نه خود و نه پدرش بزرگ زادگی قناعت ننموده و نهایت اهتمام را در راه فرا گرفتن علوم و معارف بخرج دادند پدر در خردمند در تربیت فرزند مراقبت نموده و او را بمعلم مخصوص سپرده و گاهی اوستاد را در خانه خود آورده و همه گونه وسائل را برای آنان فراهم میآورد، پسر ارجمند نیز فرصت را غنیمت شمرده، میانه‌بندی میجدیت در مقام فرا گرفتن علوم بر آمده و شبهارا بیداری کشیده و رنجها بر خود هموار نموده است تا بهره خود را از علوم بدست آورده است .

#### کتابخانه مدرسه فضیله قم

این جوان هوشمند ، با همه استعداد فوق العاده و هوش سرشار خود دریافته بود که: نابرده رنج گنج میسر نمیشود ، و باید در راه رسیدن به هدف عالی همت را بلند داشته و کوشش بسیار مهذول داشته و از بیکاری و بیعاری و ولگردی و عیاشی کناره گیری نمود .

این جوان همایون بخت درك کرده بود که سرمایه عمر ، گرانبها ولی از دست رفتنی است و باید نهایت بهره گیری را از آن نمود . روی این اصل بجای اینکه آنرا مثلادر کافهها و سینماها و کاباره ها و مراکز فساد و فحشاء بگذرانند، آنرا در محضر استاد و محفل علم و کتابخانه ها بسر میبرد . بجای اینکه پیوسته بایاران و دوستان در باغ و بوستان دمساز باشد ، یارو مونسى جز کتاب نگرفته و جز از مطالعه آثار علمی از چین دیگری لذت نمیبرد .

بلکه بنکته‌ای بالاتر از اینها پی برده بود که چون علم نوری است



خدائی و ودیعه‌ای است روحانی، باید در راه فرا گرفتن آن پاسی و خلوص را پیشه کرده و خود را از آلودگیهای جسم و جان پاک داشته و گاه و بیگاه دست نیاز بدر گاه پروردگار جهان برداشته و سر تسلیم پیشگاه مقدس او فرود آورد .

در تاریخ این خلکان است که ابوعلی سینا در تمام مدت اشتغال بنحیص علوم یکشب را بتمامی نخوایده و روزی را بجز مطالعه نگذرانده است و هر گاه مسئله‌ای علمی بر او دشوار میشد وضو ساخته و به مسجد جامع رفته و نماز بجای آورده و از خداوند میخواست که مشکل او را آسان نموده و در فهم را بروی او بگشاید .

از گفتار خودش نقلشده (۱) : ... پس از آن در مدت یکسال و نیم تمام مباحث علوم و فلسفه را مطالعه نموده و شبها را بیدار بودم و هر وقت بترتیب چیزدگری می پرداختم و نتیجه حاصل نمی نمودم روی نیاز بدر گاه قادر بی نیاز آورده و سر بخاک میگذاشتم و نماز میکردم و از عجز و زاری فروغ ایزدی بقلب من تابیده و تجلیات غیبی مشکل مرا حل مینمود و اگر خستگی بی اندازه و کسالتهای مفرط بمن دست میداد قدحی مشروب مکیف و مقوی (۲) نوشیده و دیگر بار مطالعه مینمودم و بقدری

---

(۱) سالنامه ششم نور دانش .

(۲) بقرینه این عبارت ، دور نیست مشروبی که مورد استفاده ابوعلی قرار میگرفته از مشروبات غیر الکلی بوده است و خیلی بعید بنظر میرسد که آن دانشمند با مشروبات الکلی - چنین سم مهلکی که از نظر عقل و شرع حرام است - سروکار داشته باشد .

در حل مشکل علاقه داشتم که در خواب حل مسائل مینمودم .  
 سپس داستان بیماری نوح بن منصور سامانی و معالجه او را یاد آور  
 شده و گوید : من از او خواش نمودم که کتابخانه خود را تحت نظر و  
 اختیار من بگذارد .

امیر در خواستم را پذیرفت و من بکتابخانه و کتب محتویه آن مراجعه  
 نموده هر قسمت از کتابها که در هرفنی بود جدا جدا و مرتب میدیدم (۱)  
 خلاصه از مطالعه تاریخ زندگی ابوعلی سینا بر می آید که مطلوبی  
 و معشوقی جز علم و کمال نداشته و ارزشی جز برای دانش و هنر قائل  
 نبوده است .

اگر رنج میبرده برای بدست آوردن گنج علم بوده و اگر پای در  
 بساط سلاطین و امراء مینهاد ، برای راه یافتن بکتابهای علمی و تهیه  
 وسائل تکمیل و تحصیل بوده است .

#### ابوعلی در پایان عمر

ابوعلی سینا بمرض قولنج مبتلا شد و با اینکه در علاج آن تخصصی  
 داشت از معالجه آن عاجز ماند و در اثر ناراحتی مسافرت که در ملازمت  
 علاءالدوله برای او پیش آمد و شاید مسمومیتی نیز از بعض دشمنان و حسودان  
 بر او واقع گردید .

چون بهمدان رسید ، بیقین دانست که قوت ساقط گشته و طبیعت  
 از مقاومت مرض بکلی عاجز شده است ، ترك مداوای خود گرفته و  
 میگفت : قوه مدبره در بدن از تدبیر بازمانده است ، اکنون دیگر  
 معالجت فائده ندارد ، پس غسل کرده و آنچه داشت بر فقرا صدقه کرد

و غلامان را خط آزادی داده و همواره با ستغفار مشغول بود و پیوسته بتلاوت کلام الله مجید میگذرانید و بر این منوال بسر میبرد تا آنکه اجل موعود از پایش در آورده و در حال احتضار اظهار تأسف بر بیحاصلی از عمر مینمود . (۱)

ملاحظه کنید یک نفر فیلسوف دانشمند که عزت دانش را با شوکت مقام و منصب جمع نموده و سالها در دربار پادشاهان و امرای معاصر خود وزارت و امارت داشته ، مع الوصف مغرور نشده و مانند بعضی از تحصیل کرده ها و صاحب منصبان زمان ما نبوده که خود را گم نموده و رابطه خود را با خداوند بریده و پشت پا بهمه نوامیس و مقررات دین و مذهب زده باشد ، بلکه پیوسته در پیشگاه مقدس او خاضع و خاشع بوده و در آخرین مراحل زندگی نیز برای رستگاری خود دست بدامن تلاوت قرآن کریم و نماز و انفاق گردیده و با آب توبه و عجز و لابه در پیشگاه پروردگار متعال خود را شست و شو داده و مهبیای مرگ و سفر آخرت میشود .

### ابن سینا و چهره روزگار سانی و مطالعات فقهی

شیخ الرئیس که از هر جهت امتیاز و برجستگی داشته و تمام درهای کمال بروی او گشاده بود ، طبع لطیف و ذوق شریفش ، بسرودن اشعار ، غزلیات و رباعیات ، عربی و فارسی نیز جلوه نموده و شعرهائی پرمغز و آبدار میسروده است . در مقام اظهار ایمان و عقیده راسخ خود با اصول اسلامی ، این رباعی از او معروف است :

کفر چومنی گزاف و ، آسان نبود  
محکمتر از ایمان من ایمان نبود!

دردهر چومن یکی و آن هم کافر؟ پس در همه دهریک مسلمان نبود  
 و از آنجائیکه همیشه مردان فضیلت و صاحبان کمال و معرفت ،  
 گرفتار شکنجه و آزار دنیا پرستان و جاه طلبان بوده و مورد حسد و دشمنی  
 دونان و سفلیگان واقع شده و هدف تیر بالای بدمنشان و بی نشان  
 گردیده اند ، شیخ نیز از این گرفتاری بی بهره نبوده و از این جام  
 جرعه ها نوشیده است و در این باره چنین سروده است : (۱)

زمانه سقله نواز است و دهر دون پرور

ستاره شعبده باز است و چرخ افسونگر

اگر نه سقله نواز است آن، چرا داده است

مقام و جاه سلیمان بدیو بد گوهر ؟

و گر نه شعبده باز است این ، چرا هر دم

هزار نقش بر آرد خلاف یکدیگر ؟

و گر نگشته خرف روزگار پیر ، چرا

گزیده راعی اشتر ، بمالك اشتر ؟

عدو ، اگر بتوبد کرد از کمال تو بود

که نیست دشمن طاووس غیر خوبی پر

کمال ، عزت نفس آورد درست ببین

خمیده گردد شاخ شجر ز فرط ثمر !

ستاره گر چه فزون از شماره است بچرخ

ولی کسوف و خسوف است خاص شمس و قمر